به مناسبت ۵ اردیبهشت؛ سالروز واقعه طبس

امریکا؛ از موفقیت در کامبوج تا شکست در ایران

زوایای پنهان ماجرا در گفت‌وگوی «ایران» با مأمور ویژه تحقیق و تفحص ماجرای طبس؛ امیرسرتیپ خلبان محمدکریم عابدی

گفت و گو

بهنام علیپور

ابتدا خودتان را به صورت اجمالی معرفی کنید و از سمت‌هایی که داشته‌اید، بگویید؟

بنده سرتیپ دوم خلبان محمدکریم عابدی در هوانیروز جمهوری اسلامی ایران خدمت کرده‌ام و در وزارت دفاع شهید چمران به عنوان مشاورعالی و بازرس ویژه همراه با شهید خضرایی فعالیت می‌کردم و در دوران دفاع مقدس در اغلب عملیات‌های بزرگ هوایی فرماندهی عملیاتی داشته‌ام و از دوستان نزدیک شهید چمران، شهید سرلشکر فلاحی و شهید سپهبد علی صیاد شیرازی بودم. پس از جنگ هم آخرین سمت فرماندهی من در پایگاه هوانیروز کرمان بود که از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴ فرمانده آن پایگاه بودم. سه سال نیز وابسته نظامی ایران در چین بودم، همچنین عضو انجمن وابستگان نظامی در دنیا هستم و در دوره هشتم مجلس شورای اسلامی توفیق داشتم نماینده مردم طبس، فردوس، سرایان و بشرویه باشم.

آیا حمله به سفارت امریکا و طرح ریزی عملیات آزادسازی در جهان هم پیشینه تاریخی دارد؟

بله؛ امریکایی‌ها تجربه بازپس‌گیری سفارت خود را در کامبوج در زمان استقرار خِمرهای سرخ داشتند و نکته حائز اهمیت اینجاست که این عملیات مشابه با عملیات طبس با هلیکوپتر صورت پذیرفته است. پس از تسخیر سفارت و دستگیری کارکنان سفارت در ایران، ابهت امریکایی‌ها از بین رفت و آنها برای آزادسازی کارکنان سفارت بر اساس تجربه گذشته خود منطقه نوادا و آریزونا را که بیشترین شباهت به کویر ایران را داشت (جایی که به عنوان محل فرود و استقرار هواپیماها و هلیکوپترها در نظر گرفته شده بود) انتخاب کرده و با هدف کسب آمادگی شروع به تمرین کردند.

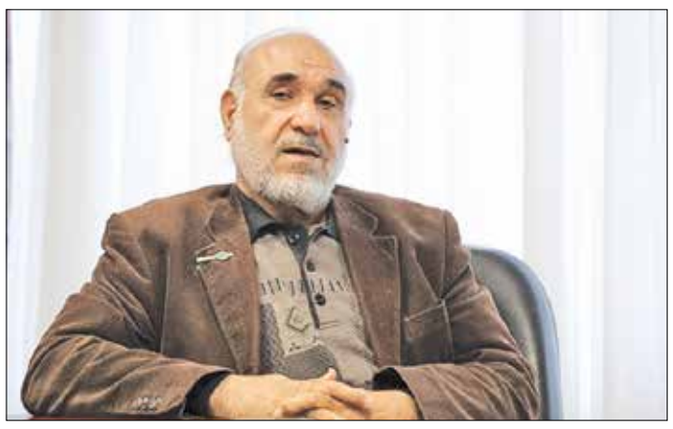

بازدید حضرت آیت الله خامنه ای از بقایای تجهیزات نظامی ارتش امریکا در طبس. (امیر سرتیپ محمد کریم عابدی در کنار دکتر مصطفی چمران، آیت الله خامنه ای در وسط عکس و سرگرد محمود خضرایی در سمت چپ با عینک دودی دیده می شوند)

درباره عملیات دلتا که با نام‌های پنجه عقاب یا توفان صحرا هم از آن یاد می‌شود، توضیح دهید.

نام عملیات دلتا بود که بعدها به پنجه عقاب میان امریکایی‌ها و توفان صحرا میان ایرانیان شهرت گرفت، برای انجام این عملیات ۸ فروند هلیکوپتر Sikorsky-CH-53 با ظرفیت هلی‌برن ۳۵ نفر در حالت عادی و ۵۰ نفر در حالت اضطراری در نظر گرفته بودند؛ که دو فروند از این بالگردها رِزرو و ۶ فروند عملیاتی بود؛ همچنین ۴ فروند هواپیمای C-۱۳۰ در این عملیات بود؛ که دو فروند رزرو و یک فروند برای حمل تجهیزاتی مانند: موتورهای تریل، کپسول‌های خواب‌آور، سلاح‌های خفیف و سایر تجهیزات و یک فروند برای آوردن کماندوها به کارگرفته شد. علاوه بر آن دو هواپیمای سوخت‌رسان KC نیز در این عملیات بود که از پایگاه نظامی امریکایی‌ها در ضلع شمالی فرودگاه مسقط عمان پرواز کردند و وارد خاک ایران شدند؛ اما هلیکوپترها از عرشه ناو هلیکوپتربَر مستقر در دریای عمان پرواز کردند و چون امکان پرواز مداوم به علت میزان نگهداری سوخت هلیکوپترها تا تهران برای هلیکوپترها وجود نداشت، ۴ منطقه فرود موقت یا همان Landing Zone مشخص کردند؛ منطقه فرود اول یک فرودگاه متروکه، جایی نزدیک به طبس میان «رباط خان» و «رباط پشت بادام» بود.

منطقه فرود دوم در تپه‌های غربی گرمسار، حدود ۱۰۰ کیلومتری شرق تهران بود. سومین جای فرود استادیوم شهید شیرودی (امجدیه)، موجب عدم کنترل و اصابت ملخ هلیکوپتر با هواپیمای سوخت‌رسان می‌شود که یک انفجار عظیم و ۱۲ کشته را در پی داشت. پس از این انفجار عملیات لغو شده و نیروهای امریکایی به‌سرعت منطقه را ترک می‌کنند. ژاندارمری منطقه به فرماندهی سروان سهرابی (اولین فرمانده نیروی انتظامی کل کشور در سال ۱۳۷۰) برای حفاظت از منطقه و عدم آمد و شد عمومی وارد منطقه می‌شوند. علاوه بر مأمورین ژاندارمری تعدادی از نیروهای کمیته یزد به ریاست شهید منتظرالقائم نیز به منطقه آمدند و اخبار این واقعه توسط مسئولین پاسگاه رباط خان به تهران مخابره شد. فرمانده وقت کل قوا (بنی‌صدر) با مشورت با مشاورین و احتمال اینکه ممکن است نیروهای امریکایی قصد برگشت داشته باشند دستور بمباران آن منطقه را داد که توسط هواپیماهای F۴ بمباران شد. که به نظر من تصمیم جاهلانه‌ای بود. طی بمبارانی که انجام شد ۲ فروند هواپیما از بین رفت، و در نهایت ۳ هلیکوپتر باقی ماند. همه اینها را در کتاب «هفت پرواز» جلد دوم یا همان «سه نیمه شعبان» که نویسنده آن خود بنده هستم، آورده‌ام.

پس از اینکه اخبار طبس به گوش امام رسید، ایشان دستور می‌دهند که مسئولین وقت با کمک متخصصان به تحقیق و تفحص پیرامون این موضوع بپردازند، از طرف شورای انقلاب آقای خامنه‌ای و آقای هاشمی رفسنجانی مأمور می‌شوند، من به دلیل تخصص و شناخت از هلیکوپتر و سرگرد محمود خضرایی (شهید خضرایی) به دلیل تخصص در زمینه هواپیما همراه با شهید چمران (وزیر دفاع وقت) در این تیم تحقیق و تفحص حضور داشتیم که در روز ۶ اردیبهشت از منطقه یزد با هلیکوپتر شنوک به منطقه اعزام شدیم. علاوه بر ما افراد دیگری چون سرهنگ دوم سلیمی که آن زمان مسئول دفتر آقای خامنه‌ای بود و سرهنگ دیزجی و افراد دیگر در این تیم حضور داشتند اما مسئول بررسی فنی-تخصصی من و شهید خضرایی بودیم. بعد از اینکه به منطقه رسیدیم من براساس تخصص خودم به بررسی هلیکوپترها پرداختم، زیر صندلی یکی از خلبان‌های هلیکوپتر یک نقشه در رابطه با عملیات بود که مناطق فرود را مشخص کرده بود و اگر ما این نقشه را نداشتیم پی به اصل ماجرا نمی‌بردیم.

از کجا متوجه شدید که ۸ فروند هلیکوپتر برای این عملیات مأموریت داشتند؟

پس از برگشت تیم تحقیق و تفحص به تهران طی جلسه‌ای که با مسئولین داشتیم، قرار شد که تحقیقات خود را در تمام سطوح ادامه دهیم؛ در روز ۷ اردیبهشت با کمک گرفتن از نقشه به دست آمده از هلیکوپتر به سمت مناطق فرود پرواز کردیم و در حوالی تپه‌های گرمسار ۸ علامت فرود که با گچ H انگلیسی را طراحی کرده بودند به چشم دیدیم. پس از آن به سمت منطقه فرود سوم یعنی ورزشگاه شهید شیرودی (امجدیه)، وزارت کشور و وزارت امور خارجه آمدیم که با پرسش از نگهبانان آنها متوجه شدیم در شب واقعه چراغ‌های هر سه منطقه روشن بوده است، نکته جالب هلی پد واقع در محوطه وزارت امور خارجه و هلی پد ساختمان وزارت کشور بود و چهارمین محل فرود، فرودگاه مَنظَریه قم در نظر گرفته شده بود. هلیکوپترها در ساعت ۸ شب از سواحل مکران و هواپیما در ساعت ۹ از فرودگاه مسقط در تاریخ ۴ اردیبهشت ۱۳۵۹ به سمت نقطه اول حرکت می‌کنند. پس از طی کردن ۳۰۰ کیلومتر از مسیر، حوالی دریاچه جازموریان یکی از هلیکوپترها به دلیل نقص فنی در قسمت هیدرولیک مشکل پیدا می‌کند؛ این هلیکوپترها دو سیستم هدایت دارند، سیستم اولی خراب شده و دومین سیستم Alert می‌دهد که بلافاصله توسط خلبان مخابره شده و دستور فرود صادر می‌شود. یک هلیکوپتر از ۸ فروند در این قسمت رها شده و عملیات با ۷ هلیکوپتر ادامه پیدا می‌کند تا به منطقه «راوَر» کرمان می‌رسند؛ در این منطقه یک هلیکوپتر دیگر به دلیل مشکل مشابه (نقص هیدرولیک) از ادامه عملیات بازمانده. اما نکته جالب توجه در رابطه با منطقه راوَر خرابی و بازماندن هلیکوپتر در این منطقه نیست بلکه وجود رادار در آنجاست که امکان رهگیری تا اقیانوس هند را دارد که اتفاقاً رادار به تهران گزارش می‌دهد اما توجه خاصی به این گزارش نمی‌شود. به هر طریق هلیکوپترها و هواپیماها در منطقه فرود اول یعنی طبس فرود آمده و مشغول سوخت‌گیری می‌شوند. یکی از هلیکوپترها به دلیل فاصله با هواپیمای سوخت‌رسان KC قادر به سوخت‌گیری نبوده و برای اینکار باید تا نزدیک تانکر سوخت پرواز کند تا از طریق سوختگیری داغ یا همان Hot Refuling تغذیه شود. در سوخت‌گیری داغ هواپیما و هلیکوپتر باید روشن باشند و باد حاصل از موتورهای هواپیما و ملخ‌های هلیکوپتر موجب بلند شدن شن و اختلال دید می‌شود؛ در همین اثنا یک تانکر سوخت ایرانی از نزدیکی محل استقرار نیروهای امریکایی عبور می‌کند که با بی‌توجهی به هشدار کماندوها مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد.

چند لحظه پس از تیراندازی راننده پیاده شده و از تانکر فاصله می‌گیرد و تانکر سوخت منفجر می‌شود؛ نور حاصل از انفجار در ساعت یک بامداد و شن برخاسته ناشی از ملخ هلیکوپتر Night Vision یا دید در شب خلبان را مختل می‌کند و همین مسأله توجه اینجاست که ورزشگاه شهید شیرودی با یک کانال از زیر به سفارت وصل بوده و ما بعداً از آن خبردار شدیم.

بعد از آن به فرودگاه مهرآباد رفتیم که با تحقیق و تفحص متوجه شدیم، تمام پدافند تهران به بهانه جابه‌جایی و به دستور فردی که هویت آن مشخص نیست در آن شب خاموش بود. علاوه بر آن ماشین و لباس‌هایی توسط یکی از کاسبان بازار تهیه شده بود که در حمل و نقل کماندوها و عوامل آزادشده استفاده شود. همچنین کاغذهایی به زبان فارسی و با آرم عربستان سعودی تهیه شده بود تا در صورت گم شدن استمداد ایرانیان را طلب کنند.

طی جست‌وجوهای بعدی متوجه شدیم که بنا بود بعد از آزادسازی عوامل سفارت آنها را با هلیکوپتر به منظریه قم برده و از آنجا با هواپیما به مصر ببرند اما کل مأموریت در این آزادسازی خلاصه نمی‌شد و این هدف (آزادسازی کارکنان سفارت) بخشی از یک نقشه بزرگ‌تر یعنی بمباران چندین نقطه مهم در تهران از جمله جماران، پاستور، ستاد ارتش در چهار راه قدوسی، دوشان‌تپه، مهرآباد و چند جای دیگر بود که ناکام ماند.

در رابطه با واقعه طبس شبکه‌های جاسوسی امریکا چگونه فعالیت می‌کردند؟ به صورت پوششی کار می‌کردند یا در قالب نیروهای اطلاعاتی؟

بعد از مدتی یکی از روزنامه‌ها به نام «فلایت» عکسی عمودی از محوطه سفارت امریکا (عکس از بالا) منتشر کرده و مدعی بود که ماهواره‌ها بر عملیات نظارت داشتند. ما بلافاصله با خلبانان کارکشته و حرفه‌ای به تحلیل عکس پرداختیم و در نهایت به این نتیجه رسیدیم که این عکس از هلیکوپتر گرفته شده نه از ماهواره؛ طی تحقیق و تفحص در رابطه با پروازهای آن روز متوجه شدیم که در آن روز هلیکوپترهای هوانیروز و نیروی هوایی در آن منطقه پرواز نداشته‌اند؛ درنهایت با دنبال کردن سرنخ‌ها متوجه دو شرکت خدمات هوایی در تهران به نام «هلیکوپتر سرویس» و «هلیکوپتر ایران» با حدود ۶۰ تا ۷۰ هلیکوپتر شدیم که برای شرکت‌ها و نهادهای مختلف از جمله صدا و سیما، شرکت برق، شرکت نفت و انرژی اتمی پرواز می‌کردند و فقط یک ایرانی به عنوان خلبان در این شرکت حضور داشت که ما او را از ارتش تصفیه کرده بودیم.

«هلیکوپتر ایران» در خیابان دریای نور برای یکی از وابستگان به خاندان سلطنت بود که به صورت پوششی به بنیاد مستضعفان واگذار شده بود و فعالیت‌های خود را در خفا ادامه می‌داد؛ «هلیکوپتر سرویس» در ونک نیز توسط یک انگلیسی به نام «اندرو پایک» اداره می‌شد، نکته جالب توجه در خصوص خلبانان، پاسپورت‌های هلندی و فرانسوی آنها بود. به هرحال پس از دستگیری مدیرعاملان این شرکت‌ها، طی یک حکم این دو شرکت از بنیاد مستضعفان به وزارت دفاع منتقل شد. وزیر دفاع وقت (شهید چمران) نیز طی یک حکم من را مسئول ادغام و ایرانیزه کردن این دو شرکت کرد. پس از ادغام نام این شرکت را «ساخه» که مخفف سازمان خدمات هلیکوپتری ایران است، گذاشتیم.

چه شایعاتی در رابطه با واقعه طبس وجود داشته و دارد؟

بعدها که خاطرات جیمی کارتر (رئیس جمهور وقت در زمان عملیات طبس) منتشر شد ما پی به صحت نقشه برده و تأیید گمانه‌زنی‌های خود را گرفتیم، تا پیش از انتشار این خاطرات اخبار گمراه‌کننده توسط عوامل جاسوسی-امنیتی با هدف دور شدن از موضوع و پوشش این شکست در جامعه منتشر می‌شد. به عنوان مثال: عده‌ای اذعان داشته‌اند که امریکایی‌ها قصد حمله به سفارت را نداشتند و قرار بود از آنجا به افغانستان بروند که با نقشه کشف شده از کابین خلبان هلیکوپتر منطبق نبود؛ عده‌ای نیز شکست عملیات در طبس را ناشی از بمباران موشک‌های شوروی می‌دانند که این هم دروغ بزرگی است.

شایعات با هدف دور کردن تفحص‌کنندگان از واقعیت منتشر می‌شد، به نظر بنده عده‌ای در راستای مکتوم نگه داشتن حقیقت گام برداشتند؛ به عنوان مثال در تاریخ ۱۲ تا ۱۵ خرداد ۱۳۵۹ کنفرانسی تحت عنوان «کنفرانس بین‌المللی مداخلات امریکا در ایران» برگزار شد و هدف از این کنفرانس جمع‌آوری اسناد و مدارکی بود که در دست ما بود؛ من نیز که شستم از ماجرا خبردار شده بود مدارک را تحویل ندادم. تعدادی از قطعات و مدارک را کمیته و ژاندارمری و مردم هنگام رسیدن به صحنه برده بودند و اگر ما هم مدارک را تحویل می‌دادیم عملاً چیزی برای تحقیق و تفحص‌های بعدی و اثبات ماجرا باقی نمی‌ماند.

> شایعات با هدف دور کردن تفحص‌کنندگان از واقعیت منتشر می‌شد، به نظر بنده عده‌ای در راستای مکتوم نگه داشتن حقیقت گام برداشتند؛ به عنوان مثال در تاریخ ۱۲ تا ۱۵ خرداد ۱۳۵۹ کنفرانسی تحت عنوان «کنفرانس بین‌المللی مداخلات امریکا در ایران» برگزار شد و هدف از این کنفرانس جمع‌آوری اسناد و مدارکی بود که در دست ما بود؛ من نیز که شستم از ماجرا خبردار شده بود مدارک را تحویل ندادم

ظاهرا قرار بوده موزه‌ای با عنوان «ابابیل» هم درباره واقعه طبس ایجاد شود؛ این موزه راه‌اندازی شده یا خیر؟

پس از واقعه طبس عده‌ای از اساتید و دانشجویان دانشگاه موزه‌ای در هیبت فیل در ۷ طبقه طراحی کردند که پس از دولت آقای هاشمی در کشمکش بر سر این مسأله که موزه در طبس باشد یا یزد به جایی نرسید. به عنوان یک سرباز کوچک و خادم ملت از مسئولین می‌خواهم تا موزه «ابابیل» را که نماد شکست سپاه ابرهه است و با شکست امریکا در صحرای طبس مطابقت دارد به هر قیمتی که هست بنا کنند تا جوانان از این واقعه یاد کنند و آثار آن را به چشم ببینند.

آگهی تجدید مناقصه

شرکت آنتی بیوتیک سازی ایران در نظر دارد توسعه و بازسازی واحدهای تولید (اجرای اتاق تمیز پانل‌بندی و کانال‌کشی) را به اشخاص حقیقی و حقوقی واجدشرایط واگذار نماید. لذا متقاضیان می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی به‌مدت یک هفته جهت دریافت اسناد مناقصه به واحد تدارکات کارخانه به آدرس ساری، میدان خزر، کیلومتر ۵ جاده دریا، جنب تالار سوگلی، داخل کوچه، شرکت آنتی‌بیوتیک‌سازی ایران و یا تهران، میدان فاطمی، نبش خیابان بیستون، ساختمان داروگستر، طبقه‌دوم، واحد بازرگانی مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۱۱۳۳۵۶۵۰۴۵ داخلی ۲۲۰ تماس حاصل نمایند.

هزینه آگهی به‌عهده برنده مناقصه می‌باشد.

آگهی مناقصه عمومی
شماره ۲۰۲/۰۳

صنایع شهدای مهام پارچین در نظر دارد خرید تجهیزات و نصب و راه‌اندازی دوربین‌های نظارتی را از طریق شناسایی تأمین‌کنندگان واجدشرایط واگذار نماید. لذا متقاضیان می‌توانند با در دست داشتن معرفی‌نامه و مهر شرکت، به آدرس ذیل مراجعه و نسبت به دریافت اسناد مناقصه (بدون هزینه) اقدام نمایند.

- زمان تحویل‌گیری و عودت اسناد مناقصه از تاریخ درج آگهی روزنامه حداکثر ۱۰ روز می‌باشد.
- در صورت دارا بودن گواهی‌نامه صلاحیت همکاری (سمتا)، زمان دریافت اخذ اسناد مناقصه ارائه تصویر آن الزامی می‌باشد.
- میزان سپرده شرکت در مناقصه بمشرح اسناد مناقصه می‌باشد.
- هزینه درج آگهی به‌عهده برنده مناقصه می‌باشد.
- صنایع شهدای مهام پارچین در رد یا قبول هر یک از پیشنهادها مختار است.
- استعلام‌های رسیده به‌صورت غیر حضوری مفتوح و نتیجه آن کتباً اعلام می‌گردد.

آدرس: تهران – انتهای اتوبان بابایی – جاده اختصاصی پارچین – صنایع شهدای مهام پارچین
تهران – جاده فاور ان – بعد از پاکدشت – جاده اختصاصی پارچین – صنایع شهدای مهام پارچین
تلفن: ۰۲۱۳۵۷۶۹۰۴۸ – ۰۲۱۳۵۷۶۹۰۴۷ دورنگار: ۰۲۱-۳۶۰۷۶۱۳۲

IRAN DAILY
1877
www.newspaper.iran-daily.com